

مقایسه تطبیقی وضعیت زنان کشور عربستان با وضعیت ایده‌آل زن مسلمان

دکتر نازی عبدالله پور^۱

چکیده

وضعیت خاص زنان عربستان در سالهای اخیر، باعث توجه رسانه‌های کشورهای مختلف به ایشان شده، اعتراض محافل بین‌المللی و سازمانهای جهانی را برانگیخته است. با توجه به اینکه اجحاف در حق زنان مبتنی بر برداشتهای غلط جامعه سنتی عربستان - بخصوص سران وهابیت - از دین است، در این مقاله به بررسی اجمالی وضعیت ایشان پرداخته، تلاش کرده‌ایم تا محمل دینی مورد ادعای ایشان را در چند محور بررسی کنیم.

این مقاله وضعیت و مسائل زنان در کشور عربستان را در هشت محور بررسی کرده، سپس به تحلیل متون دینی - قرآن و روایت و نقل تاریخی در این موضوعات پرداخته است. محورهای مورد بررسی این مقاله عبارتند از:

- ۱- وجود هویت مستقل برای زنان.
- ۲- جداسازی افراطی زنان و مردان.
- ۳- شرکت زنان در برنامه‌های سیاسی و حق رأی آنان
- ۴- فعالیت اقتصادی زنان.
- ۵- لزوم وجود امکانات تحصیلی و آموزشی برای زنان
- ۶- حجاب زنان و الزام به پوشاندن صورت.
- ۷- حق رانندگی.
- ۸- تعدد زوجات.

واژه‌های کلیدی: زن، اسلام، عربستان، تعدد زوجات، حجاب

^۱ - استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

مقدمه

وضعیت زنان کشور عربستان سعودی در سالهای اخیر یکی از مباحث جنجال برانگیز محافل غربی و اسلامی بوده است. مشکلات مختلفی که بر ایشان تحمیل می‌شود به ظاهر بر محملی از دین تکیه دارد. تحریف‌ها و تفسیرهای متحجرانه از دین الهی باعث شده است که دینی که باید راحتی و سلامت جامعه را فراهم کند، به دستاویزی برای محدود کردن نیمی از آحاد جامعه از داشتن زندگی راحت و شاد تبدیل شود. این مقاله در صدد است محمل دینی مورد ادعای متولیان مذهب حاکم بر این جامعه را بررسی کرده، با استناداتی از ظواهر قرآن و شواهد تاریخی و سنن قطعی، صحت و سقم ادعای ایشان را جستجو کند.

مشکلات زنان در کشور عربستان سعودی

در عربستان با زنان مانند شهروند درجه دوم و موجودی فاقد شعور برخورد می‌شود. زن عربستان همیشه باید یک سرپرست به همراه داشته باشد. او حتی به تنهایی نمی‌تواند به پزشک مراجعه کند. تبعیض علیه زنان در جریان رسیدگی دادگاه‌ها و مسائل قضایی در این کشور کاملاً مشهود است. عواملی چون، نبود مجازات‌های مربوط به خشونت علیه زنان، عدم تناسب و ناسازگاری در اعمال قانون در مورد حق زن و مرد و رویه‌های قانونی مربوط، نامعتبر بودن گزارش زنان در باره جرایم، مشکلات زنان را در احقاق حقوق خود دو چندان کرده است.

سعودی‌ها به زنان به چشم دارایی-که آزادی و حق انتخاب ندارد می‌نگرند (الحویدر، سایت خبری العالم، ۱۳۸۸). روحانیون افراطی نمی‌خواهند زنان در هیچ یک از صحنه‌های اجتماع حضور داشته باشند. از زمان به قدرت رسیدن ملک عبدالله تغییراتی دیده می‌شود، اما سرعت این تغییرات بسیار اندک است و نفوذ روحانیان افراطی وهابی بسیار زیاد است. دیده‌بان حقوق بشر خواستار تصحیح موارد نقض حقوق بشر نشده است که از قانون قیمومیت مردان بر زنان در عربستان سرچشمه می‌گیرد. شده است. این سازمان تاکید کرده که عربستان باید به تکالیف بین‌المللی خود احترام بگذارد و این نظام تبعیض‌آمیز را بردارد.

سازمان مذکور اعتقاد دارد که حتی بعد از آنکه حکومت عربستان قوانینی را برای برداشتن این قیدوبندها به تصویب رساند، سیستمهای اجرایی آنها را دنبال نکردند. بیمارستانهای عربستان همچنان از زنان عربستانی برای درمان خود یا فرزندانشان اجازه "ولی امر" آنها را می‌خواهند به جهت دیدگاههای وهابیون افراطی مشکلات متعددی دامن‌گیر زنان عربستان شده است که به بررسی مواردی از آنها می‌پردازیم:

۱- هویت مستقل

زنان عربستان تا اوایل سال ۲۰۰۵ میلادی، شناسنامه یا کارت شناسایی مستقل از پدر یا همسر نداشتند. پس از چندین دهه بررسی و به دنبال به وجود آمدن مشکلات مربوط به هویت، زمانی که وزارت کشور عربستان با حق زنان سعودی برای داشتن کارت شناسایی در صورت درخواست خود آنها موافقت کرد، بسیاری از زنان تصمیم گرفتند از داشتن کارت شناسایی صرف نظر کنند زیرا پدر، همسر یا برادر آنها به دلیل چاپ عکس زنان بر روی کارت شناسایی، با اعطای کارت شناسایی به زنان مخالفت می‌کردند. این مخالفت با تکیه بر این اصل که مردان سرپرست زنان هستند و در نتیجه آنها به داشتن هویت رسمی نیاز ندارند، توجیه می‌شد (ویکیپدیا، ۲۰۰۹).

امروزه زنان بسیاری دارای کارت شناسایی هستند اما بخش‌های دولتی بسیاری وجود دارند که کارت شناسایی را نمی‌پذیرند. این ادارات دولتی برای شناسایی فرد (زنان) کارت شناسایی خانوادگی یا دو شاهد برای تأیید هویت زنان درخواست می‌کنند. یکی از بخش‌هایی که گفته می‌شود با کارت شناسایی زنان مخالفت می‌کند، دستگاه قضایی است.

نبود کارت شناسایی برای زنان موجب این شده که ایشان سالیان طولانی از حقوق بسیاری چون: مسافرت و تجارت و مالکیت خصوصی و حق رأی و... محروم باشند. چنین عملی هیچ استناد شرعی ندارد و در سطور آینده به مواردی از روش پیامبر اسلام اشاره خواهیم کرد که به شکلی بارز با این حکم وهابی-سعودی مغایرت دارد.

۲- جداسازی زنان و مردان:

در اماکن عمومی عربستان و غذاخوری‌ها، جداسازی جنسیتی به شدت اجرا می‌شود. در تمام محیط‌های کاری نیز به جز بیمارستان تفکیک جنسیتی اعمال می‌شود و افراد خاطی دستگیر شده، به دادگاه معرفی می‌شوند (سایت خبری العالم). ورود زنان بدون همراهی محرم به بسیاری از اماکن عمومی سعودی از جمله بانک‌ها، رستوران‌ها و فروشگاه‌ها ممنوع است. شرکت زنان در مجامع عمومی حتی در مسجد بسیار محدود است. این جداسازی حتی در خانه هم وجود دارد به طوری که برخی از فضاهای داخل خانه، ورودی مجزایی برای زنان و مردان دارند.

از زنان سعودی انتظار می‌رود هنگام خروج از خانه، حتماً با مرد محرم همراه باشند و زن به تنهایی اجازه خروج از خانه را ندارد. زن سعودی حق استفاده از دریا را ندارد (حتی پوشیده و کنترل شده) نمی‌تواند برای فرزندش حساب بانکی افتتاح کند، کارنامه بچه‌ها را از مدرسه بگیرد و بدون اجازه همسر همراه فرزندانش به مسافرت رود. فقط در شرایطی می‌تواند در هتل به تنهایی اقامت کند که مدارک خود را به مدیر هتل ارائه کند تا با اطلاعات پلیس چک شود. تنها استثنای این قانون (که به تازگی ایجاد شده است) زنان بالای چهل و پنج سال هستند که البته مأموران گاه از ایشان نیز اجازه نامه می‌خواهند.

اسلام آمیختن بدون محدودیت زنان را تأیید نمی‌کند و به جهت حفظ جامعه از تأثیر سوء برخی رفتارها، برای روابط اجتماعی زن و مرد محدودیتهایی قائل است اما چنین رفتارهای افراطی که وهابیان انجام می‌دهند هیچ سندیتی ندارد. قرآن هرگز به چنین تفکیکی اشاره نکرده و برای جلوگیری از این شائبه که عده‌ای ممکن بود بگویند: دین از آن مردان است و زنان حقی در جامعه ندارند، به صراحت از مردان مؤمن و زنان مؤمن و ارتباط ایشان با هم در خانواده و جامعه سخن می‌راند.^۱ احادیث متعددی نیز دلالت بر این دارند که زنان در

^۱- در آیاتی متعدد خداوند زنان و مردان را در اموری مختلف مسئول شمرده. بنگرید به: توبه/۷۲ (وعده موفقیت و اشاره به رضوان الهی برای مردان و زنان)، احزاب/۳۵ و ۵۸ و ۷۳ (وعده مغفرت زنان و مردان مومن و وعده عذاب مردان و زنان مشرک و منافق)، نوح/۲۸، بروج/۱۰ (تهدید عذاب برای کسانی که زنان و مردان مومن را بیازارند- چون هم زنان

عصر پیامبر اسلام در مجامع مختلف شرکت داشتند. خداوند در سوره نساء عملکرد کلی برخی مردان را در مواجهه با زنان چنین توصیف می کند: در مورد زنان و دختران یتیم، می خواهید با ایشان ازدواج کنید و حقوق ایشان را نمی دهید.^۱ و این مطلب دقیقاً نشان دهنده برخورد بسیاری از مردان سعودی با زنان است، چون با ایشان ازدواج می کنند و حقوق انسان آزاد را برایشان قائل نیستند. (این حقوق منحصر به مهریه و نفقه نیست و یکی از نیازهای هر انسانی این است که به چشم انسانی به او بنگرند که می تواند به بالاترین رتبه های کمال دست یابد و قدرت تصمیم گیری برای خود را داشته باشد اگر چه خود در تابعیت از قوانین الهی ملزم به رعایت برخی مسائل است).

فاتن عبار که در یک سازمان بین المللی فعال در زمینه زنان و خانواده کار می کند، می گوید: «تضادها مربوط به قوانین اسلام نیست بلکه مربوط به فرهنگ مردسالار پیش از اسلام» است. مسأله اصلی به نوع برداشت از اسلام و مردانه بودن این برداشت برمی گردد. اگر اسلام را مطالعه کنید می بینید که زنان از حق اشتغال برخوردارند و به آنها اجازه داده شده که بیرون از خانه کار کنند. در زمان پیامبر هم، زنان و مردان در کنار یکدیگر می نشستند و آموزش می دیدند. پس چرا امروز باید از هم جدا باشیم؟ اسلام این حقوق را برای زن در نظر گرفته اما دولت‌ها زمینه تحقق این حقوق را فراهم نمی کنند؛ نه در حوزه اشتغال و سیاست و نه در حوزه های اقتصادی و آموزشی (محمدی آشتیانی، ۱۳۸۱).

۳- حق رأی زنان سعودی:

زنان نمی توانند نامزد قبول پستی سیاسی باشند و بدتر از آن اینکه حق ندارند در نخستین انتخابات سراسری این کشور که انتخابات شورای شهر است

مومن و هم مردان مومن در راه دین آزارهای فراوان دیده اند و حتی به شهادت رسیده اند. (محمد(ص) ۱۹ امر به پیامبر مبنی بر طلب آموزش مردان و زنان مومن). فتح/۵ (وعده بهشت برای ایشان)، توبه/۷۱ (مسئولیت مردان و زنان مومن نسبت به یکدیگر و مسئولیت ایشان برای امر به معروف و نهی از منکر)، حدید/ (نور ایمان زنان و مردان در آخرت) ۱۲، ممتحنه/۱۲ (بیعت)

^۱ - وَ يَسْتَفْتُونَكَ فِي النِّسَاءِ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِيهِنَّ وَ مَا يُثَلَىٰ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ فِي يَتَامَى النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا تُؤْتُونَهُنَّ مَا كُتِبَ لَهُنَّ وَ تَرْغَبُونَ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ نساء/۱۲۷

رای دهند. علمای وهابی، این تصمیم دولت را تأیید کرده، رای دادن زنان را موجب فساد و خلاف عفت دانسته اند. رئیس دولت اعلام می کند که زنان فاقد صلاحیت لازم برای قضاوت درباره کاندیداهای انتخاباتی هستند. هر چند برخی دیگر علت این ممنوعیت را مشکل هویت زنان می دانستند و این که اکثر زنان کارت شناسایی ندارند (ویکیپدیا).

این در حالی است که زنان در جامعه مدینه و در عصر پیامبر اسلام (ص) به اشکال مختلف در عرصه های سیاسی مشارکت داشتند. برخی از ایشان جزو شخصیت های سیاسی جامعه محسوب می شدند و برخی صاحب نفوذ و تأثیر فراوانی بودند. مانند حضرت خدیجه و حضرت زهرا سلام الله علیهما و زانی دیگر چون اسماء؛ وی^۱ مادر محمد ابن ابوبکر و یحیی ابن علی علیه السلام و خود از اصحاب مورد توجه رسول الله (ص) بود که پیامبر او را ستوده و بر ایمانش آفرین گفت " (فهیم کرمانی، ۱).

علاوه بر وجود بانوانی فرهیخته، باید به این مطلب نیز توجه داشت که پیامبر اسلام (ص) در طول دوران تبلیغ خویش حداقل دوبار با زنان بیعت کرد، اولی در پیماننش پیش از هجرت - سال سیزده پس از بعثت - با مردم یترب که به جهت بیعت آن بزرگوار با دو زن به «بیعه النساء» معروف شد. این نامگذاری نشان دهنده این است که بیعت با زنان در آن عصر - حداقل در عربستان - امری غریب و جدید برای مردم عربستان بوده است، زیرا در این پیمان علاوه بر دو زن هفتاد و سه مرد نیز حضور داشتند اما پیمان زنان نام گرفت.

دومین بیعت ایشان با زنان به هنگام فتح مکه بود. در زمان حیات ایشان و به دستور ایشان در عید بزرگ غدیر خم نیز زنان با امیر مومنان علی علیه السلام نیز بیعت کردند.^۲

^۱ - همسر جعفر عموی پیامبر بود وی پس از شهادت جعفر همسر ابوبکر شد و بعد همسر امیر مومنان

^۲ - به استناد حدیثی که راویان سند آن ائمه معصومین هستند از علی علیه السلام: کان رسول الله ص لا یصافح النساء فکان إذا أراد أن یبایع النساء أتى ببناء فیه ماء فیغمس یده ثم یخرجها ثم یقول اغمسن أیدیکن فیه فقد بایعتکن، الجعفریات (الاشعثیات)، محمد ابن محمد ابن اشعث، چاپ سنگی، مکتبه نینوی الحدیثه، تهران، باب بیعه النساء، ص: ۸۰

در آیه ۱۲ سوره ممتحنه به این مطلب تصریح شده و به اساسی‌ترین موارد بیعت ایشان اشاره شده است: يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَى أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ قَبَائِعِهِنَّ وَلَا اسْتَعْفِرَ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَحِيمٌ.

ترجمه:

ای پیامبر، هنگامی که زنان مؤمنه برای بیعت نزد تو آمدند، باید بیعت (و تعهد) کنند که هرگز به خدا، شرک نیاورند و دزدی نکنند و مرتکب زنا نشوند و اولاد خود را به قتل نرسانند و به کسی تهمت اولاد و افترا نزنند و در هیچ امر معروفی با تو مخالفت نکنند. با این شرایط از آنان بیعت بگیر و از خدا برای آنان طلب آمرزش کن که خدا بسیار آمرزنده مهربانست.

علامه طباطبایی در تفسیر آیه فوق می‌نویسد " این آیه شریفه حکم بیعت زنان مؤمن با رسول خدا (ص) را معین می‌کند، و در آن اموری را بر آنان شرط کرده است که بعضی مشترک بین زنان و مردان است، مانند شرک نورزیدن، و نافرمانی نکردن از رسول خدا (ص) در کارهای نیک، و بعضی دیگر ارتباطش به زنان بیشتر است، مانند احتراز جستن از سرقت و زنا، و کشتن اولاد، و اولاد دیگران را به شوهر نسبت دادن که این امور هر چند به وجهی مشترک بین زن و مرد است، و مردان هم می‌توانند چنین جرائمی را مرتکب شوند، و لیکن ارتباط آنها با زنان بیشتر است " (طباطبایی، ۱۴۱۷: ذیل آیه).

با توجه به اینکه بیعت در آن دوران را می‌توان با حق رأی در این زمان، نزدیک و حتی معادل دانست نتیجه می‌گیریم که در سنت رسول گرامی اسلام، زنان نیز به عنوان اعضای جامعه در تصمیم‌گیریهای گروهی شرکت داشتند و هرگز پیامبر اجازه نداد تا مردان به جای ایشان سخن بگویند. و بسیار جالب است که پس از گذر قرن‌ها هنوز در برخی جوامع که نام اسلام را یدک می‌کشند، زنان از شرکت در امور سیاسی و حق رأی محرومند.

اما نمونه‌ای قرآنی: زنی که ماجرای وی در قرآن بسیار قابل تأمل است بلکه سباست، نکاتی چشمگیر در سوره نمل در باره او وجود دارد:

- همچنانکه خداوند به داود و سلیمان هر گونه نعمت از جمله حکومت عطا کرده بود، ملکه سبا نیز صاحب هر نعمتی بود.^۱

- به دنبال خبر بردن هدهد نزد سلیمان و رساندن نامه وی به ملکه، بلافاصله به بزرگان قومش ابلاغ می کند که نامه ای ارزشمند دریافت کرده است (جبهه گیری وی به عنوان رئیس حکومت بر مبنای منطق است نه تکبر و جهالت) و خواهان مشورت با سران قومش شده، تصریح می کند که بدون مشورت با ایشان تصمیم نخواهد گرفت.^۲

- نگرانی وی برای ملتش به جهت آگاهی از این واقعیت است که پادشاهان هر زمان وارد شهری می شوند، فساد می کنند و عزت را به ذلت بدل می کنند (نه نگرانی از دست دادن حکومت خود یا حفظ منافع شخصی).^۳

- بدون پیش داوری در مورد سلیمان با تدبیری وی را می آزماید که آیا مانند سایر پادشاهان قصد سلطه و فساد دارد یا اصلاح.^۴

- در نهایت نیز ملکه سبا به خطای خود و قومش پرستش اجرام آسمانی اعتراف کرده، به یگانگی خداوند و نبوت سلیمان ایمان می آورد.^۵

خردمندی و هوشیاری و حق گرایی که بنا بر نقل صریح قرآن در ملکه ی سبا وجود داشته با آنچه کج اندیشان به نام دین به دیگران تحویل می دهند بسیار متفاوت و بلکه متعارض است.

۴- فعالیت اقتصادی برای زنان:

در قوانین سعودی، اشتغال زنان به هر کاری جز تدریس و پرستاری ممنوع گشته است. در صورت نیاز به سفر کاری زنان با مشکل مواجه هستند. علما سفر

^۱- وَوَرَّثَ سُلَيْمَانَ دَاوُودَ وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عَلِمْنَا مِنْتَظِرِ الطَّيْرِ وَأُوتِينَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ النمل/ ۱۶

إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ النمل/ ۲۳

^۲- قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ إِنِّي أُلْقِيَ إِلَيَّ كِتَابٌ كَرِيمٌ النمل/ ۲۹

قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي أَمْرِي مَا كُنْتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّى تَشْهَدُونِ النمل/ ۳۲

^۳- قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعْرَءَ أَهْلِهَا أُذْلًا وَكَذَلِكَ يُفْعَلُونَ النمل/ ۳۴

- وَإِنِّي مُرْسِلَةٌ إِلَيْهِمْ بِهَدِيَّةٍ فَنَاظِرَةٌ بِمَ يَرْجِعُ الْمُرْسَلُونَ النمل/ ۳۵

^۵- قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَأَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ النمل/ ۴۴

زنان را بدون همراهی مردی از محارمش ممنوع می‌دانند. در عربستان سعودی این قانون به دقت اجرا می‌شود و به زنانی که محرم به همراه ندارند، اجازه خروج داده نمی‌شود. این قانون هم در سفرهای درون کشور و هم در سفرهای برون کشوری صادق است (تفصیل مطلب در: شامی یحیی، ۱۹۹۳).

تدریس برای زنان محدود به کلاس‌های دختران می‌شود و آن‌ها حق تدریس برای پسران (حتی در مقطع ابتدایی) را ندارند. با این حال باز هم شرکت زنان در مشاغل بسیار محدود است و برای این کارها نیز اجازه رسمی شوهر یا ولی شرط محسوب می‌شود.

علما اشتغال زن به هر کاری که باعث همکاری و ارتباط با مردان نامحرم می‌شود، حرام اعلام کرده‌اند (تفصیل مطلب در: گودوین ویلیام، ۱۹۹۳).

اشتغال زنان در عصر پیامبر

شریعت اسلام وظیفه سرپرستی خانواده را بر دوش مرد و تربیت فرزند آن و حفظ آرامش کانون خانواده را بر دوش زنان و مادران نهاده است. با وجودی که زنان از جهت قانونی مسؤولیتی در خانواده ندارند، می‌بینیم که زنانی که سرپرست خانواده هستند و یا اوقات فراغت بیشتری دارند و علاقه مند به فعالیتهای بیشتر هستند و یا زنانی که همسر یا پدرشان از عهده تأمین مخارج خانواده بر نمی‌آیند، خود اقدام به تأمین هزینه‌های زندگی می‌کنند. به نمونه‌هایی از فعالیتهای اقتصادی زنان و زنان سرپرست خانوار در صدر اسلام اشاره می‌کنیم: یکی از بارزترین نمونه‌ها وجود زنان تاجر است مانند خدیجه بزرگوار که تاریخ نقل می‌کند: پیامبر اسلام پیش از ازدواج با این بانوی فرهیخته، در کاروان تجارتهای وی کار می‌کرد، یعنی زنانی چون وی که البته تعدادشان زیاد نبود حق مالکیت داشته‌اند و تجارت و فعالیت اقتصادی.

نمونه‌های دیگر نیز عبارتند از: "قیله نام زنی که تجارت می‌کرد و احکام معامله را از پیامبر اسلام پرسید و رسول گرامی اسلام او را در جهت صحت معاملات راهنمایی فرمود. ریطه از زنان ثقیف و همسر عبدالله ابن مسعود بود که صنعتگری می‌کرد و خرج شوهر نابینا و فرزندانش را می‌داد. و سلامه که

گوسفند می چرانید و زندگی خود را اداره می کرد (فهمیم کرمانی: ۱۴-۲۶-۲۷ به نقل از طبقات ابن سعد ج ۸ ص ۲۹۰ و ۳۱۱) " .

زینب دختر جحش (همسر پیامبر که قبلاً همسر زید بود) زنی کارگر و صنعت پیشه بود که پیامبر در میان همسرانش با عبارت (اطولکن یدا = بخشنده ترین و با سخاوت ترین شما) او را ستود. پس از وفات پیامبر از بیت المال چیزی نگرفت و از دسترنج خود ارتزاق می کرد. وی به عنوان زنی پارسا و اهل عبادت شناخته می شد (همان منبع، ۲۰۶).

زنی عطر فروش به نام زینب بود که پیامبر اسلام به او سفارش می کرد: به نیکویی معامله کند و از غش در معامله بپرهیزد.^۱

علاوه بر موارد فوق، یکی از بارزترین جلوه های فعالیت زنان در پرستاری زخمیان جنگ و خدمات رسانی به رزمندگان بود، این عمل گاه منجر به سود اقتصادی نیز می شد، زیرا پیامبر برای زنانی که در جنگ تلاش می کردند چون مردان سهمی از غنائم مشخص می کرد (مانند سهم اسلمیه در خیبر) (نوری همدانی، ۱۳۸۳: ۱۶۸ و ۱۷۳ به نقل از الاصابه ج ۸، ۱۷۶).

اخیراً دولت عربستان سعودی در راستای احقاق حقوق زنان جامعه و پایان دادن به خرده گیری های غرب و جامعه بین الملل در نظر دارد، یک سوم مشاغل دولتی را به طور رسمی به زنان عربستان واگذار کند. این ابتکار دولت سعودی به شدت مورد استقبال محافل سیاسی جهان قرار گرفته است و در صورت تحقق، بزرگ ترین تحول اجتماعی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس در سال های اخیر خواهد بود (روزنامه اعتماد، ۱۹ / ۳ / ۱۳۸۶).

آنچه مشخص است این است که دولت عربستان در سالهای اخیر با نگاهی عمیق تر به وضعیت زنان این کشور نگرینسته و بزرگترین مشکل بر سر راه تحقق اهداف دولت، روحانی نماهای افراطی وهابی هستند.

۱- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ جَاءَتْ زَيْنَبُ الْعَطَارَةُ الْعَوْلَاءُ إِلَى نِسَاءِ النَّبِيِّ ص فَجَاءَ النَّبِيُّ ص فَإِذَا هِيَ عِنْدَهُمْ فَقَالَ النَّبِيُّ ص إِذَا أَنْتَيْنَا طَابَتْ بَيُوتُنَا فَقَالَتْ بَيُوتُكَ بَرِيحُكَ أَطْيَبُ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ لَهَا رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا بَعْتِ فَأَحْسِنِي وَ لَا تَغَشِّي فَإِنَّهُ أَنْقَى لِلَّهِ وَ أَبْقَى لِلْمَالِ. (كافي: ج ۵ ص ۱۵۰)

۵- تحصیلات و آموزش:

با این که دولت سعودی دختران را از آموزش منع نکرده است، و حتی آموزش رایگان نیز برای ایشان در نظر گرفته است، تا همین اواخر حضور دختران در آموزشگاه‌ها و مدارس بسیار محدود بود. طبق آمار رسمی دولت سعودی ۵۵ درصد دانش آموزان ابتدایی، ۷۹ درصد دانش آموزان متوسطه و ۸۱ درصد دانش آموزان دبیرستان را پسرها تشکیل می دادند. دیدگاه‌های سنتی در عربستان باعث شده است که بسیاری از دختران در سنین پایین مدرسه را ترک کنند. در عربستان، مدارس و دانشگاه‌های متفاوت برای دختران و پسران وجود دارد و هیچ مدرسه مختلطی در آنجا یافت نمی‌شود، با این حال بسیاری معتقدند، مدارس و دانشگاه‌های مربوط به زنان از کیفیت آموزشی پایین تری برخوردارند. تحصیل زنان در کلیه رشته‌های فنی و مهندسی، و نیز رشته حقوق ممنوع می‌باشد.

دولت عربستان سعودی در سال‌های اخیر انعطاف فراوانی در این زمینه از خود نشان داده، مدارس و دانشگاه‌هایی جهت تحصیل زنان در اقصی نقاط کشور تاسیس کرده است. زنان این کشور نیز تحصیل را یکی از سریعترین راه‌های احقاق برخی از حقوق خود شمرده، با جدیت بدان روی آورده‌اند. هم اکنون فارغ‌التحصیلان دانشگاهی زن عربستان گوی سبقت را از مردان ربوده‌اند، بطوری که ۵۶.۵ درصد کل دارندگان تحصیلات عالی در عربستان را زنان تشکیل می‌دهند. (همان منبع) این در حالی است که دیدگاه‌های سابق هنوز از بین نرفته است.

۶- حجاب:

برداشت علمای سعودی از حجاب اسلامی، پوشاندن تمام بدن از جمله صورت و دست‌هاست. پلیس مذهبی عربستان همواره بر این تأکید داشته و زنانی را که چهره خود را در انظار عموم می‌کشایند، به حبس محکوم می‌کند. قانون افراطی حجاب از عوامل محدود کننده زنان سعودیست.

دولت عربستان رعایت حجاب را در دو شهر جدّه و ریاض آزاد اعلام کرده است. و در سایر شهرها پوشش زنان سعودی در مجامع عمومی چادر سیاه

گشادی است که از سر تا پا را در بر می‌گیرد که به آن عبایه گفته می‌شود. پوششی که صورت زنان سعودی را فرامی‌گیرد، نقاب یا روبند نام دارد. نقاب در عربستان سه شکل دارد:

- ۱- نقاب کامل که معمولاً به وسیله یک یا چند پرده نیمه شفاف یا مشبک چشم‌های زن را هم می‌پوشاند.
- ۲- نقاب درزدار که دو شکاف برای چشم‌ها در آن در نظر گرفته شده‌است.
۳. نقاب مُشَقَّ (نیم نقاب) که علاوه بر چشم‌ها، پیشانی و ابروی زن را نیز نمایان می‌کند. (علماء وهابی این نوع نقاب را حرام دانسته‌اند).

علمای عربستان سعودی از جمله شیخ ابن عثیمین، شیخ ابن باز، شیخ صالح المنجد و عبدالعزیز الشیخ که از مذهب حنبلی مشهور به سلفیه پیروی می‌کنند اجماعاً معتقد به واجب بودن پوشانیدن صورت (به جز چشم‌ها) هستند. پوشاندن دست‌ها و صورت برای تمام دخترانی که به بلوغ رسیده‌اند اجباریست. مدارس سعودی تمام دخترانی را که بیش از ده سال سن دارند مجبور به پوشیدن نقاب می‌کنند. از زنان و دختران انتظار می‌رود هنگام خروج از خانه صورت و دست‌های خود را به طور کامل بپوشانند. پلیس مذهبی عربستان که مطوعین نام دارد بر رعایت حجاب نظارت دقیق می‌کند. نیروهای مطوعین در مراکز خرید، رستوران‌ها، فروشگاه‌ها، معابر و گذرگاه‌ها، گشت می‌زنند و زنانی را که حجاب موافق مقررات شرعی ندارند، دستگیر می‌نمایند.

در سال ۲۰۰۳ میلادی پافشاری پلیس مذهبی عربستان درباره رعایت نقاب به مرگ پانزده دختر نوجوان در آتش سوزی یک مدرسه راهنمایی دخترانه در مکه انجامید. عوامل وابسته به دولت ریاض، در این سانحه، مانع از آن شدند که دخترانی که صورت خود را نپوشانده بودند، از کام آتش بگریزند.

استناد ایشان به چنین حجابی تفسیری است که علمای حنفی از آیه زیر دارند:
 يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَ بَنَاتِكَ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَ كَانَ اللَّهُ عَفُوراً رَحِيماً احزاب/۵۹

ترجمه:

ای پیامبر! به زنان و دختران و زنان مؤمنان بگو تا جلبابشان^۱ را بر خود نزدیک کنند، این برای آنکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند [به احتیاط] نزدیکتر است، و خدا آمرزنده مهربان است.

بررسی تفاسیر اهل سنت برای آیه حجاب:

برخی از تفاسیری که دنو جلباب را به پوشاندن تمام بدن از جمله صورت و دستها تفسیر کرده اند عبارتند از:

معالم التنزیل (بغوی)، کشف الاسرار (میبدی)، الکشف و البیان (ثعلبی)، محاسن التأویل (قاسمی)، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز (ابن عطیه اندلسی)، معانی القرآن (فراء)

برعکس برخی تفاسیر ایشان نیز قائل به پوشاندن تمام بدن جز صورت و دو دست هستند مانند: مراح لبید لکشف معنی القرآن المجید (نووی)، لطائف الاشارات (قشیری).

فخرالدین رازی صاحب تفسیر مفاتیح الغیب - از مفسرین سنی مذهب قرن ششم معتقد است: صورت قسمتی نیست که باید پوشانده شود اما پوشاندن آن مانع طمع غیر است. (۱۴۲۰: ج ۲۵ ص ۱۸۴) و نویسنده الموسوعه القرآنیة (ابراهیم ابیاری از مفسران معاصر) متعرض تفسیر جلباب به پوشش صورت نشده است (۱۴۰۵: ذیل آیه).

بیشتر تفاسیر اهل سنت قائل به وجوب پوشاندن صورت برای زنان آزاد هستند البته به نظر می رسد دلیل ایشان بیشتر جنبه عرفی و اجتماعی دارد تا دینی، زیرا در روایات ایشان تصریح شده است که زنان آزاد برای تمایز از کنیزان

^۱ صاحب لسان العرب جلباب را همان خمار شمرده که جمع خمار در قرآن آمده: وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ لِيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ نور/ ۳۱ ترجمه: و به زنان با ایمان بگو: «دیدگان خود را [از هر نامحرمی] فرو بندند و پاکدامنی ورزند و زبورهای خود را آشکار نگردانند مگر آنچه که [طبعاً] از آن پیداست. و باید روسری خود را بر گردن خویش [فرو] اندازند... و صاحب مجمع البحرین خمار را همان قناع یا مقنعه شمرده (که دلالتی بر پوشاندن صورت ندارد).

ابراهیم ابیاری از مفسرین معاصر در کتاب "الموسوعه القرآنیة" جلباب را وسیعتر از خمار و کوچکتر از رداء شمرده است. (۱۴۰۵ ج ۱۰ ص: ۵۵۶)

صورت خود را بپوشانند تا جایی که اگر کنیزی چنین پوششی داشته با او مخالفت شده است و دلیل ایشان مصون ماندن زنان آزاد از آزار است (گویا آزار کنیزان در باور چنین افرادی مجاز شمرده می شود که از پوشش ایشان ممانعت به عمل آمده است).^۱

زمخشری صاحب تفسیر کشاف نیز معتقد است: زنان صدر اسلام دوران جاهلیت را به تازگی پشت سر گذاشته بودند که زینت و خودنمایی در مقابل مردان در آن دوره متداول بوده پس پوشاندن خود در درع و خمار به وجه تمایز زنان آزاد از کنیزان تبدیل شد. پس دستور داده شد تا زنان آزاد برای دور ماندن از آزارها با شکلی متمایز از کنیزان از خانه خارج شوند تا امنیت بیشتری داشته باشند. (۱۴۰۷: ذیل آیه) و (ألوسی، ۱۴۱۵: ج ۱۱ ص ۲۶۴) و (سید قطب، ۱۴۱۲: ج ۵ ص ۲۸۸۰).

محمد جواد مغنیه می نویسد: آیه از عمومیت خود خارج شده است زیرا می فرماید: «و لا یبدین زینتهن إلا ما ظهر» یعنی پوشاندن تمام بدن جز زینت ظاهر که همان صورت و دستها است به شرط این که آرایش نشده باشند واجب است (۱۴۱۲: ج ۶ ص ۲۴۰)

^۱ ابن ابی شیبیه از ابی قلابه روایت کرده است که: کان عمر بن الخطاب لا یدع فی خلافته أمة تقنع و یقول انما القناع للحرائر لکیلا یؤذین. یعنی: خلیفه ی دوم در دوره ی خلافتش به هیچ کنیزی اجازه نمی داد از قناع استفاده کند و آن را خاص زنان آزاد می شمرد تا مورد آزار واقع نشوند. همچنین از انس نقل شده است که: رأی عمر جاریه مقنعه فضریها بدرته و قال القی القناع لا تشبهین بالحرائر. یعنی: عمر کنیزی رل دید که مقنعه داشت پس با شلاقش او را زد و گفت: مقنعه را بردار تا به زنان آزاد شبیه نشوی. (سیوطی، ۱۴۰۴، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور: ج ۵ ص ۲۲۱)

و در کشف الأسرار و عده الأبرار میبیدی ۸۹/۸ با نقلی دیگر از انس روایت شده است: مرت جاریه بعمر بن الخطاب متقنعه فعلاها بالدره و قال: یا لکاع أ تشبهین بالحرائر؟ القی القناع یعمی خلیفه ی دوم به کنیز گفت: ای زن پست آیا خود را شبیه زنان آزاد می کنی پس قناع را بردار.

هنگامی که سه تن از دختران کسره، پادشاه ساسانی را برای عمر ابن خطاب آوردند خلیفه دستور داد بر آنان فریاد کشند که: پوشش از چهره برگیرید تا مسلمانان آنها را ببینند و خریداران پول بیشتری به پای آنها بریزند. دوشیزگان ایرانی از برهنه کردن صورت خودداری کردند. خلیفه خشمناک شد و شاهزادگان ایرانی می گریستند. امیر مومنان علی (ع) به عمر فرمودند: در رفتار مدارا کن؛ از پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: «بزرگ و شریف هر قومی را که خوار و فقیر شده، گرامی بدارید» (رجبی، تاریخچه حجاب و عفاف، www.rahenejatdaily.com)

در اینکه منظور از شناخته شدن چیست؟ دو نظر در میان مفسران وجود دارد که منافاتی با هم ندارند. مولفان تفسیر نمونه در شرح آیه چنین نوشته اند: "در اینکه منظور از شناخته شدن چیست؟ دو نظر در میان مفسران وجود دارد که منافاتی با هم ندارند. نخست اینکه در آن زمان معمول بوده است که کنیزان بدون پوشیدن سر و گردن از منزل بیرون می آمدند، و از آنجا که از نظر اخلاقی وضع خوبی نداشتند، گاهی بعضی از جوانان هرزه مزاحم آنها می شدند، در اینجا به زنان آزاد مسلمان دستور داده شد که حجاب اسلامی را کاملاً رعایت کنند تا از کنیزان شناخته شوند و بهانه‌ای برای مزاحمت به دست هرزگان ندهند. بدیهی است مفهوم این سخن آن نیست که اوباش حق داشتند مزاحم کنیزان شوند، بلکه منظور این است که بهانه را از دست افراد فاسد بگیرند. دیگر اینکه هدف این است که زنان مسلمان در پوشیدن حجاب سهل‌انگارو بی اعتنا نباشند.

در اینکه منظور از "جلباب" چیست مفسران و ارباب لغت چند معنی برای آن ذکر کرده‌اند که قدر مشترک همه آنها این است که بدن بوسیله آن پوشانده می شود اما بیشتر به نظر می رسد که منظور پوششی است که از روسری بزرگتر و از چادر کوچکتر است چنان که نویسنده "لسان العرب" روی آن تکیه کرده است. و منظور از "یدنین" (نزدیک کنند) این است که زنان "جلباب" را به بدن خویش نزدیک سازند تا درست آنها را محفوظ دارد، و به تعبیر ساده خودمان لباس خود را جمع و جور کنند.

اما اینکه بعضی خواسته‌اند از این جمله استفاده کنند که صورت را نیز باید پوشانید هیچ دلالتی بر این معنی ندارد و کمتر کسی از مفسران پوشاندن صورت را در مفهوم آیه داخل دانسته است.

به هر حال از این آیه استفاده می شود که حکم "حجاب و پوشش" برای آزاد زنان قبل از این زمان نازل شده بود، ولی بعضی روی ساده اندیشی درست مراقب آن نبودند آیه فوق تأکید می کند که در رعایت آن دقیق باشند (مکارم، تفسیر نمونه: ج ۱۷ ص ۴۲۸).

نتیجه

از مباحث طرح شده چنین برداشت می‌شود که تفسیر ایشان از پوشش زنان اشاره به باور یکی از خلفا و شاید عرف جامعه عصر خلفا دارد نه باور پیامبر و اهل بیت که اکثر تفاسیر شیعه نیز چنین حدی از حجاب را بیان نکرده‌اند. در متن آیه و روایات مذکور در تفاسیر ایشان هیچ دلالتی وجود ندارد که گویای وجوب پوشاندن صورت و دستها باشد و "دنو" در آیه به معنی نزدیک کردن دو سوی جلیب پوششی مانند روسری بلند است تا گردن و زینت زنان دیده نشود و پوشش صورت مربوط به عادات جامعه عربستان بوده که در برخی مناطق تاکنون نیز به نام دین حفظ شده است. همچنین پوشاندن صورت در عرف جامعه صدر اسلام نیز عمومیت نداشته است (مطهری، ۱۳۶۴، ۱۶۴) البته احتمال این که چنین پوششی در اثر فرهنگ ایرانی به وجود آمده باشد وجود دارد، زیرا زنان اشراف ایرانی در عصر ساسانیان صورت خود را می‌پوشانده‌اند.

در زمان ساسانیان که پس از نبوت زرتشت است در ایران افزون بر چادر، پوشش صورت نیز در میان زنان اشراف معمول شد. به گفته ویل دورانت پس از داریوش، زنان طبقات بالای اجتماع، جرأت نداشتند که جز در تخت روان روپوش‌دار از خانه بیرون بیایند و هرگز به آنان اجازه داده نمی‌شد که آشکارا با مردان آمد و رفت کنند. زنان شوهردار حق نداشتند هیچ مردی حتی پدر و برادرشان را ببینند. در نقش‌هایی که از ایران باستان بر جای مانده است، صورت هیچ زنی دیده نمی‌شود و نامی از ایشان نیامده است. (دورانت: ج ۱ ص ۵۵۲) تجلیات پوشش در میان زنان ایران چنان چشم‌گیر است که برخی از اندیشمندان و تمدن‌نگاران، ایران را منبع اصلی ترویج حجاب در جهان معرفی کرده‌اند (همان: ج ۲ ص ۷۸).

در سایر مذاهب اهل سنت جز حنفیان چنین پوششی رعایت نمی‌شود و تقریباً تمام زنان شیعه و سنی کشورهای مختلف اسلامی لباسهایی به عنوان حجاب می‌پوشند که صورت و دستهای ایشان را نمی‌پوشاند.

در روایات شیعه تصریح به جواز دیده شدن صورت و دو دست زنان وجود دارد^۱ به علاوه در تمامی کتب فقهی شیعه عدم پوشش صورت، در ضمن اعمال حج ضروری است، گویی رفتارهای افراطی برخی به نام اسلام در فقه شیعه پیش بینی شده و پوشاندن صورت و دستها در بزرگترین عمل عبادی و اجتماعی امت اسلامی مبطل احرام شمرده می شود.

۷- رانندگی برای زنان سعودی:

رانندگی برای زنان در عربستان سعودی ممنوع است و با وجود برخی تلاشهای انجام شده برای لغو این ممنوعیت، به دلیل مخالفت مقامات روحانی این کشور، این تلاشها به نتیجه نرسیده است. علمای عربستان بر حرام بودن رانندگی زنان به دلیل ایجاد فساد و آسیب رساندن به عفت پافشاری می کنند. (ویکیپدیا) جالب توجه این است که بسیاری از خانواده های مرفه سعودی برای حل مشکل تردد، راننده های خارجی استخدام کرده اند که فساد برخورد روزانه مرد نامحرم با زنان خانواده شاید به مراتب از رانندگی زنان بیشتر باشد. از سوی دیگر، سازمان رانندگی عربستان اعلام کرده است که علت ممنوعیت رانندگی زنان این است که زنان اگر نقاب را رعایت کنند به سختی می توانند رانندگی کنند و این احتمال تصادفات را افزایش خواهد داد.

در کل می توان گفت مشکل رانندگی زنان سعودی تا اندازه ای از بحث هویت زنان تبعیت می کند، همچنین با بحث حجاب ایشان به شدت مرتبط است و با تغییر دید این جامعه نسبت به هویت زنان و نوع پوشش ایشان، خود به خود چنین مشکلی مرتفع خواهد شد.

۸- تعدد زوجات:

بنابر عرف این جامعه، تعدد زوجات مسأله ای است که هر زنی در این کشور باید آن را به عنوان یک اصل بپذیرد. تعدد زوجات در قانون اسلام مطلبی است

^۱- از امام صادق علیه السلام در باره قسمتی از وجود زن که دیدن شدنش اشکال ندارد سوال شد و ایشان فرمود: صورت و دو دست، سئِلَ عَمَّا تُظْهَرُ الْمَرْأَةُ مِنْ زِينَتِهَا قَالَ الْوُجْهَ وَ الْكَفَّيْنِ (حر عاملی، ۱۴۰۹، وسائل الشیعه، ج ۲۰ ص ۲۰۲، باب ۱۰۹، حدیث ۲۵۴۲۹)

که در شرایطی مجوز آن داده شده است اما در کشور عربستان اصرار بر این قضیه به حدی است که گویی تعدد زوجات از اصول دین شمرده می‌شود. زنان عربستان تا امروز این مطلب را عادی شمرده‌اند و در هر شرایطی تحمل هووهای مختلف از کشورها و فرهنگهایی متفاوت در محیط خانه را وظیفه خود پنداشته‌اند. بسیاری از ایشان چنین می‌پندارند که تعدد زوجات تحت هر شرایطی برای مردان حقی محفوظ است و اعتراض به آن برابر اعتراض به قانون خداوند است. در این کشور هر مردی به محض داشتن توان مالی، همسر دوم و سوم و چهارم اختیار می‌کند که اگر چنین نکند استثنا محسوب می‌شود. مردان سعودی حتی در مواجهه با حاجیان سایر کشورها وقتی می‌فهمند ایشان یک همسر دارند با تعجب علت آن را جویا می‌شوند و در صورت احساس صمیمیت بلافاصله پیشنهادهایی هم خواهند داد.^۱

بررسی دیدگاه اسلام و آیات قرآن در بیان حکم تعدد زوجات

تنها یک آیه در قرآن به جواز این عمل اشاره دارد که به نظر می‌رسد ترجمه این آیه گویاترین تفسیر برای بیان حکم الهی در این مقوله است، چرا که خداوند می‌فرماید: واگر ترسیدید که درباره یتیمان بر مبنای مساوات عمل نکنید پس ازدواج کنید با زنانی که بر شما پاک هستند دو و سه و چهار و اگر ترسیدید که نتوانید به عدالت رفتار کنید پس یک همسر اختیار کنید.^۲ و در جای دیگر همین سوره خداوند رعایت عدالت بین زنان را امری خارج از توان مردان شمرده می‌فرماید: وَ لَنْ تَسْتَطِيعُوا اَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَ لَوْ حَرَصْتُمْ نساء/ ۱۲۹.

ترجمه: شما هر قدر بکوشید هرگز نخواهید توانست میان همسرانتان به عدالت رفتار کنید.

^۱- این مطلب نیاز به نقل آدرس ندارد و هرکسی با یک روز اقامت در عربستان حتی به عنوان مسافر با این قضیه به شکلی پررنگ مواجه خواهد شد.

^۲- وَ اِنْ حَفَّتُمْ اَلَا تُقْسِطُوا فِی الْیَتَامٰی فَاَنْکِحُوْا مَا طَابَ لَکُمْ مِنْ النِّسَاءِ مِمَّنْیَ وَ ثَلَاثَ وَ زَبَاعٍ فَاِنْ حَفَّتُمْ اَلَا تَعْدِلُوْا فَوَاحِشَةً نِّسَاءً/ ۳

چنان که مشاهده می‌شود خداوند تعدد زوجات را جایز می‌شمرد اما بیان این حکم تنها هنگام نقل حکم سرپرستی ایتم ذکر شده است و مقید به پاک بودن این ازدواج است یعنی شرایط این ازدواج باید به گونه‌ای باشد که آسیبی به خانواده نرسد و در صورتی که احتمال مشکلی برای همسران وجود داشته باشد، حکم تنها تک همسری است، یعنی تعدد زوجات در شرایط خاص می‌تواند یکی از نیازهای جامعه را پاسخ دهد^۱ اما دارویی نیست که در غیر این شرایط حکم به مصرف آن داده شود. در حالی که مثل آنچه در حکم پوشاندن صورت گذشت، اینجا نیز با تفاسیری عجیب از اهل سنت برای آیه مواجهیم. به عنوان مثال: نعمت الله نخجوانی میل و خواسته مرد را تعیین کننده تعداد این همسران می‌شمرد. (نخجوانی، الفواتح الالهیه و المفاتح الغیبیه، ۱۹۹۹: ج ۱ ص ۱۴۲) تمام مفسران این آیات را مانع ازدواج با بیش از چهار همسر شمرده اند که در عصر جاهلیت ازدواج با زنان متعدد بسیار متداول بوده و آن را مانع تعدی به حقوق همسران و دستوری برای رعایت عدالت با همسران شمرده اند. سورآبادی نیز دلیل این جواز را همکاری زنان برای نگهداری یتیمان شمرده است (سورآبادی، ۱۳۸۰: ج ۱ ص ۳۸۳).

تمام مفسران "فَأُنكِحُوا" را دال بر جواز می‌دانند نه وجوب، مانند سخن خداوند که می‌فرماید: بخورید و بیاشامید (بقره/۱۸۷ و غیر آن) که نشان می‌دهد انجام این عمل یا رعایت شرایطش جایز است این مباح است نه واجب (زحیلی، ۱۴۱۸: ج ۴ ص ۲۳۴) همچنین هیچ تأکیدی بر تعدد زوجات وجود ندارد در حالی که در کشور عربستان یکی از بارزترین رفتارهایی که به نام دین انجام می‌شود همین مورد است.

متأسفانه یکی از مشکلات بزرگ تفاسیر این است که مطلبی واحد در تمام کتب تکرار می‌شود و در نتیجه آن به شرط خطای مفسر اولی، تفسیر او به حکم

مانند زمانی که جنگی روی داده و مردان زیادی کشته شده و تعداد مردان بسیار کمتر از زنان است و جامعه به

اجبار برای بقای نسل خویش از این قانون بهره می‌گیرد. جالب توجه است که پس از جنگ جهانی دوم یکی از خواسته های نهضت‌های زنان در اروپا، قانونی شدن ازدواج با زن دوم بود.

بسیاری از مفسران تبدیل می شود. در بیان این آیه نیز کمتر تفسیری به تبیین حکم آیه و بحث در آن پرداخته است.

صاحب "حجۀ التفاسیر" می نویسد: "در عهد جاهلیت اگر دختری یتیم در زیر نظر و تحت اداره آنها بود او را به زنی می گرفتند و با او رفتار مقرر با زنان را روا نمی داشتند و به نظر تحقیر به او نگاه می کردند و چون ازدواج با او غالباً برای طمع در اموالش می بود اموالش را تصرف می کردند. لذا دستور آمد که: اگر دختر یتیمی در دامن تربیت شما بود و ولایت مالی او تعلق به شما داشت و نتوانستید در نکاح و مهر و اموال او عادلانه رفتار کنید او را ندیده بگیرید و آزاد بگذارید و با زنان دیگر که می پسندید ازدواج کنید... انتخاب یک زن، مرد را چند قدم به عدالت و ستم کردن نزدیکتر می کند و اجازه تعدد زوجات مصالحی در بردارد مانند شرایطی که: زن اول، مریض باشد و یا نازا درآید و یا سالش از حد گذشته باشد و یا بی میل به شوهر باشد و یا مرد در منطقه ای باشد که تعداد زنان بر مردان افزونی دارد. بالجمله: چون امر مرد دایر مدار زنا و یا طلاق زن اول و یا تعدد زنان است باید طریق سهل را انتخاب کرد و آن طریق، اجازه تعدد زوجات است و لیکن باید شرط عدالت به طور حتم رعایت شود" (بلاغی، ۱۳۸۶: ج ۲ ص ۱۱).

نتیجه

تعدد زوجات به اجماع فقها و مفسران شیعه و سنی با رعایت شروطی جایز است، این حکم متعلق به قانون اسلام است و هیچ توصیه ای برای انجام آن وجود ندارد و جواز آن برای شرایط خاصی است که عدم این حکم می تواند موجب مفسده باشد، درست مانند حکم قصاص که در جایی مایه حیات اجتماع شمرده شده (بقره: ۱۷۹) و در مقابل، بخشش قاتل و جرح نشانه تخفیف و رحمت پروردگار محسوب شده است. (بقره: ۱۷۸) در خانواده دینی هرگز نباید انتظار داشته باشیم که قانون تعیین کننده روابط و اصول خانواده باشد زیرا لبه های قانون گاه بسیار تیز است. اخلاق و عطوفت با در نظر گرفتن رضایت پروردگار در تمام امور خانواده می بایست حاکم بر خانواده باشد و قوانین، دستاویزی برای سوء استفاده قرار نگیرند. تعدد زوجات با فطرت انسان سازگار نیست و هیچ زنی نمی خواهد برای همسرش شریکی داشته باشد، همچنان که هیچ مردی نیز

دوست ندارد به جای یک آشیان، دو یا چند آشیان داشته باشد و در نهایت از آرامش داشتن مأمنی ثابت و همسری واحد محروم باشد، اما در شرایطی که ذکر شد ممکن است نیاز به چنین کاری باشد و خداوند در این شرایط مجوز تعدد زوجات را صادر کرده است.

از جمله مفسرینی که از زاویه‌ای متفاوت به این مسأله نگریسته، خطیب عبدالکریم است که می‌نویسد (بی‌تاج: ص ۷۰۰): "توجه به آیه کریمه بدون در نظر گرفتن آیات قبل و بعدش، باعث می‌شود مفهوم آیه روشن نشود، به همین جهت اضطراب در تفسیر بسیاری از مفسران به وجود می‌آید زیرا ایشان آیه را چنین تفسیر کرده‌اند که برای ممانعت از ستم در حق ایتم با ایشان ازدواج کنید، درحالی که عدالت در حق یتیم با ازدواج وصی با دو و سه و چهار از ایتم ابدأً تحقق نمی‌یابد بلکه چنین ازدواجی خود داعیه‌ای بر ظلم بر یتیم است اما با در نظر گرفتن ماقبل و مابعد آیه مکان صحیح حکم آیه در میان سایر احکام ترسیم شده در آیات قبل، مشخص می‌شود که مردم را به تقوی در مورد محارم و خویشاوندان و یتیمان دعوت می‌کند آیه به سرپرستان سفارش می‌کند که اموال یتیمان را به طور کامل به ایشان بپردازند سپس می‌فرماید: اگر ترسیدید در مورد ایشان بر مبنای قسط عمل نکنید ازدواج کنید با زنانی که بر شما پاک باشند یعنی اگر مومنانی واقعی هستید اموال یتیمان را بپردازید و شأن مؤمن در این است که از ازدواج با ایتم به طمع مال ایشان (که بسیار متداول بوده) خودداری کند. زیرا ایشان معمولاً کم سن و سال هستند و آمادگی ازدواج ندارند و تفسیر عبارت «ما طابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ» چنین خواهد بود: با زنان بالغ و آماده ازدواج پیمان ازدواج ببندید. و عبارت: «فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً» دعوت به رعایت عدالت و رفع بیشتر انگیزه‌های اختلاف در خانواده و موجب سلامت جامعه است و رعایت مساوات کامل بین همسران امری غیرممکن است و اگر در یک بعد رعایت شود در تمامی ابعاد محال خواهد بود، پس اسلام دواى این امر را اکتفا به همسری واحد می‌داند. در صورتی که مردی با تک همسری مشکل

داشته باشد و غرائز بر او چیره شود دواى دیگری که توصیه می شود ازدواج با کنیزان است.^۱

وی در بیان ضوابط و حکمت تعدد زوجات به بررسی این مطلب از جانب زنان و مردان پرداخته، به چند مطلب اشاره می کند:

گاه تعداد فرزندان دختر بیش از فرزندان پسر است و با در نظر گرفتن کشته شدن رقم قابل توجهی از مردان در جنگها، تعداد مردان به مراتب کمتر از زنان است و هیچ عاملی برای تعدیل این رقم وجود ندارد بنابر این تعدادی از زنان در چنین شرایطی قادر به ازدواج نخواهند بود. همچنین در صورت بیماری زن، مرد اگر نتوانست خویشتن داری کند و شرایط بر او سخت شد، به جای ترک زن و فرزند و یا روی آوردن به اعمال خلاف، می تواند همسری دیگر اختیار کند.^۲

مخالفتان اسلام در مسأله‌ی تعدد زوجات بر اسلام و پیامبر بزرگوارش بسیار خرده می گیرند در حالی که باید توجه داشت:

- اباحه تعدد زوجات در سایر ادیان الهی نیز وجود داشته و منحصر به اسلام نیست .

- حرمت قانونی تعدد زوجات در جوامع غربی دلیل وفادار بودن مردان ایشان به همسران خود نیست.

- پیامبر بزرگوار اسلام تا حدود پنجاه سالگی با یک همسر زندگی کرد و تا زمان حیات همسر اول - خدیجه بزرگوار- همسر دیگری اختیار نکرد (کلینی، کافی، ۱۳۶۵: ج ۵ ص ۳۹۱) و پر واضح است که اگر مردی به خواسته هوا و هوس قصد ازدواج داشته باشد این کار را قبل از پنجاه سالگی انجام می دهد نه پس از آن.

- احکام بسیاری تابع شرایط زمان است. اصل ازدواج از نیازهای جامعه است اما برخی از احکام آن تابع شرایط و نیازهای جامعه است (مانند زمانی که در مدینه حکومت نوپای اسلامی تشکیل شد و پیامبر بزرگوار اسلام برای

^۱ - امروز که کنیزی به ظاهر وجود ندارد می توان ازدواج موقت را دارویی برای آن شمرد.

^۲ - همان

جلوگیری از اختلاف قبایل و هم پیمان شدن با ایشان با زنانی از ایشان ازدواج کرد - که گاه سالخورده بودند).

تعدد زوجات در عربستان به قدری متداول شده است که به یکی از اسباب افتخار مردان تبدیل شده است تا جایی که یکی از علل گرایش مردان عرب به تعدد زوجات، تفاخروتکاثرایشان به تعداد همسران و فرزندان خصوصا فرزندان پسر است (به همین جهت اکثر قریب به اتفاق زنان جوان یا باردارند یا کودک شیرخوار همراه دارند. زنان خود نیز راضی به داشتن فرزندان متعدد هستند، زیرا تنها زنی که مورد احترام است مادر است پس داشتن فرزند بیشتر تنها راه به دست آوردن حرمت و معادل داشتن قدرت و نفوذ بیشتر در خانواده است).

دکتر تیجانی ضمن اعتراضی که بر وضعیت زنان در برخی از کشورهای اسلامی دارد می نویسد: "حکمت خداوند اقتضا کرده است که زن و مرد در حقوق و واجبات یکسان باشند چنانکه حکمتش اقتضا کرده که مرتبه مسؤولیت پذیری را به مرد بدهد تا همسرش را تحت حمایت خود داشته باشد اما خروش جاهلیت هنوز در میان مسلمانان باقی است تا جایی که چه بسا می بینیم مردی زنش را به خاطر اینکه پسر نزناییده، طلاق می دهد یا از کتک زدن همسرش ابایی ندارد. چه بسا زنانی که حق آموختن و آموزش دادن ندارند و نمی توانند از خانه پدر خارج شوند و تنها در شب عروسی می فهمند که به عقد فردی هم سن پدر خود در آمده اند. اسلام بهترین شریعتهاست که هرگز نمی خواهد نیمی از جامعه فلج شوند و در نهایت ناتوانی به نابودی کشیده شوند. معتقدم زن باید در حدودی که خدا و رسولش مشخص کرده اند رعایت حجاب و عفت و چشم پوشی از حرام آزاد باشد و حقوقی برابر برادر و همسر خود داشته باشد. دور از انصاف است که فقیهان اهل سنت به فکر مردها باشند و ایشان را در انتخاب آزاد بگذارند و زنان را رها کنند" (تیجانی، ۱۳۸۵: خلاصه ۳۵۴ تا ۳۶۰).

خاتمه

انسان برترین آفریده عالم هستی است که برای رسیدن به جایگاه کمال انسانی و خلیفه الهی هر استعداد و امکانی به او داده شده وزن و مرد در

پیمودن این مسیر پر اهمیت و پر دردسر، همراه و یاور همدیگر و به قول قرآن لباس همدیگر موجب زینت و محافظت شمرده شده‌اند. (که این رابطه یک سوبه نیست و متقابل است).^۱ زنان و مردان مومن در مقابل یکدیگر مسؤول هستند و همزمان در امور یکدیگر ولایت دارند تا اطاعت خداوند را به جای آورند: وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ يُطِيعُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ توبه/۷۱.

نتیجه

می‌توان به جرات گفت که به تبعیت از عرف جامعه عربستان، زنان این کشور هرگز حقوقی برابر مردان نداشته‌اند و با مشکلات فراوانی برای اثبات هویت و احقاق حقوق خود مواجه بوده‌اند. این مشکلات ناشی از دیدگاه جامعه نسبت به تفاوت‌های مرد و زن بوده، ارتباطی به احکام اسلامی نداشته است. مقاله حاضر نصوص دینی مورد ادعای روحانیون وهابی و سنی را بررسی کرده، در نهایت به هیچ سند مستندی دست نیافت که دستاویز نداشتن شناسنامه و محرومیت از آموزش و راندگی و خروج از خانه و ورزش و الزام به پوشاندن صورت و ... برای زنان عربستان باشد. کج فهمی‌های عده‌ای، از نصوص دینی و منفعت طلبی‌های ایشان، زن را در این کشور به موجودی فرمانبردار تبدیل کرده بود که در سخت‌ترین شرایط حتی پذیرش این رفتارها را وظیفه خانوادگی و دینی خود شمرده است.

درسالهای اخیر اعتراض‌های بین المللی به شرایط ایشان و دیدگاه مثبت برخی حاکمان باعث شده تغییراتی در نگرش فوق حاصل شود و برخی مشکلات ایشان کم رنگ تر شود از جمله این تغییرات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- بیشتر زنان حق تحصیل در مدارس و دانشگاهها را به دست آورده‌اند تا جایی که در تحصیلات عالی گوی سبقت را از مردان ربوده‌اند.
- ۲- برای اولین بار حق شکایت از شوهر متخلف به ایشان داده شد.

^۱ - هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ البقره/۱۸۷

- ۳- حق اقامت در هتل به تنهایی به ایشان داده شد.
- ۴- زنان می توانند کارت شناسایی مستقل داشته باشند.
- ۵- زنان می توانند با یک اجازه کلی از خویشاوند مرد خود به خارج از کشور سفر کنند و دیگر لازم نباشد که برای هر سفر، جداگانه اجازه بگیرند.
- ۶- زنان اگر بخواهند شرکتی را راه اندازی کنند، به جای ثبت شرکت به نام یک وکیل مرد، می توانند شرکت را به نام خود ثبت کنند.
- ۷- امکان مشارکت زنان در صدور فتوی و کسب عنوان مفتی به وجود آمده است (زین الدین، به نقل از خبرگزاری مهر).

برخی از مشکلات ایشان هنوز به شکلی آزار دهنده باقی مانده اند، از جمله:

- ۱- عدم اجازه خروج از خانه به تنهایی.
- ۲- الزام ایشان به پوشاندن صورت و دستها.
- ۳- ممانعت از رانندگی زنان و استفاده ایشان از دریا حتی به شکلی پوشیده و کنترل شده.
- ۴- قانونی بودن تعدد زوجات بدون هیچ شرط و یا محدودیتی.
- ۵- منع زنان از اشتغال جز پرستاری و تدریس برای مدارس دختران و کار کردن بدون اجازه مردی از خویشاوندان.
- ۶- ممانعت از شرکت ایشان در انتخابات به عنوان کاندیدا یا رأی دهنده. در نهایت عبور از جامعه مرد سالار عربستان به جامعه ای با قدرت پذیرش تغییرات نیازمند زمان است.

فهرست منابع:

الف: فهرست مقالات :

- سایت خبری العالم، تلاش جهانی برای شناساندن مفهوم حقوق بشر، www.alalam.ir
- اختصاص یک سوم مشاغل دولتی عربستان به زنان www.ea.wenet.ir/
- دایرةالمعارف ویکیپدیا، www.wikipedia.org
- نظام جامع اطلاع رسانی اشتغال، سازمان همیاری اشتغال فارغ التحصیلان www.jobportal.ir
- تاریخچه حجاب و عفاف، عباس رجبی، www.rahenejatdaily.com

ب: فهرست کتب:

- قرآن مجید
- ابن اشعث، م. چاپ سنگی، الجعفریات (الاشعثیات). تهران: مکتبه نینوی الحدیثه
- ابن عطیه اندلسی، (۱۴۲۲ق) المحرر الوجیز فی تفسیرالکتاب العزیز. تحقیق عبدالسلام عبدالشافی محمد، بیروت: دارالکتب العلمیه
- ابیاری، ا. (۱۴۰۵ق). دانشنامه ی " الموسوعه القرآنیة " مؤسسه سجل العرب
- آلوسی، م. (۱۴۱۵) روح المعانی فی تفسیرالقرآن العظیم. تحقیق: علی عبدالباری عطیه، بیروت: دارالکتب العلمیه
- بغوی، ح. (۱۴۲۰ق) معالم التنزیل فی تفسیرالقرآن. تحقیق عبدالرزاق المهدی، بیروت: داراحیاء التراث العربی
- بلاغی، ع. (ق ۱۳۸۶) حجة التفاسیر و بلاغ الإکسیر. قم: انتشارات حکمت
- تیجانی، م. (۱۳۸۵) اهل بیت کلید مشکلها (ترجمه ی کتاب کل الحلول عند آل الرسول). ترجمه ی سید جواد مهری، بنیاد معارف اسلامی
- ثعلبی، ا. (۱۴۲۲ق) الكشف و البیان عن تفسیر القرآن. بیروت: دار إحياء التراث العربی
- حرعاملی، م. (۱۴۰۹ق) وسائل الشیعة. قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث
- خطیب، ع. (بی تا و بی جا) التفسیر القرآنی للقرآن، نرم افزار جامع التفاسیر
- دورانت، و. تاریخ تمدن. نرم افزار
- رشیدالدین میبیدی، ا. (۱۳۷۱) کشف الأسرار و عدة الأبرار. تحقیق: علی اصغر حکمت، تهران: انتشارات امیر کبیر
- رازی، ف. (۱۴۲۰) مفاتیح الغیب. بیروت: دار احیاء التراث العربی

- زحیلی، و. (۱۴۱۸ق) التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج. بیروت-دمشق: دارالفکر المعاصر
- زمخشری، م. (۱۴۰۷ق) الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل. بیروت: دار الکتب العربی
- سور آبادی، ا. (۱۳۸۰ق)، تفسیر. تحقیق علی اکبر سعیدی سیرجانی تهران: فرهنگ نشر نو
- سید قطب، م. (۱۴۱۲ق) فی ظلال القرآن. بیروت: دارالشروق
- سیوطی، ج. (۱۴۰۴ق) الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور. قم: کتابخانه آیه الله مرعشی
- شامی، ی. (۱۹۹۳)، موسوعه المدن العربیة والاسلامیة. بیروت: دارالفکر العربی
- طباطبایی، م. ح. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم
- فراء، ی. معانی القرآن. تحقیق: احمد یوسف نجاتی، مصر: دارالمصریه للتألیف و الترجمة
- فهیم کرمانی، م. (بی تا) چهره‌ی زن در آئینه‌ی تاریخ اسلام.
- قاسمی جمال الدین، م. (۱۴۱۸ق) محاسن التاویل. تحقیق محمد باسل عیون السود، بیروت: دارالکتب العلمیة،
- قشیری، ع. لطایف الاشارات. تحقیق ابراهیم بسیونی، مصر: الهیئة المصریة العامه للکتاب
- کلینی، م. (۱۳۶۵) الکافی. تهران: دارالکتب الإسلامیة
- گودوین، و. (۱۳۸۳) عربستان سعودی. ترجمه فاطمه شاداب، تهران: نشر شمشاد
- محمدی آشتیانی، ع. (۱۳۸۱) شناخت عربستان. تهران: مشعر
- مکارم، ن. و جمعی از نویسندگان، (۱۳۷۴) تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الإسلامیة
- مطهری، م. (۱۳۶۴) مسئله حجاب
- نخجوانی، ن. (۱۹۹۹) الفواتح الالهیه و المفاتح الغیبیة. مصر: دار رکابی للنشر
- نصیری رضی، م. (۱۳۸۶) تاریخ تحلیلی اسلام. تهران: دفتر نشر معارف
- نوری همدانی، ح. (۱۳۸۳) جایگاه بانوان در اسلام. قم: نشر مهدی موعود
- نووی، (۱۴۱۷) امراض لبید لکشف معنی القرآن المجید. تحقیق محمد امین الصناوی، بیروت: دارالکتب العلمیه

